

* دکتر امین پاشا جلالی

اشارات تاریخی شهر اصفهان در دیوان میرزا محسن
تأثیر تبریزی* شاعر معاصر شاه سلیمان و شاه سلطان

حسین صفوی

در آثار فرهنگی و ادبی جهان ، تاریخ و ادبیات ، چون دو همراه با وفا و قرین موافق کنار هم حرکت کرده و همدیگر را یاری و خدمت کرده اند. این تعاون و همسویی گاهی به حدی است که تشخیص تفوق و رجحان جنبه‌ای بر جنبه‌ی دیگر دشوار می‌شود، کتاب هایی نظیر : تاریخ بلغمی ، تاریخ بیهقی ، جهانگشای جوبینی ، جامع التواریخ ، تاریخ و صاف ... هر چند عنوان تاریخی دارند اما بیشتر از دیدگاه ادبی مورد مطالعه و توجه قرار گرفته و از امهات کتب ادب فارسی محسوب می‌شوند ، به همان نسبت بلکه حتی بیشتر آثار منظوم و منثور ادبی کمر به خدمت تاریخ بسته و با ویژگی هایی که دارند مسایل و مطالب تاریخی را دلپذیرتر ، ماندگارتر و پایدارتر می‌سازند. اغلب وقایع تاریخی کسوت نظم پوشیده و به آرایه‌های ادبی آراسته شده اند .

* عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز .

* * دیوان محسن تاثیر تبریزی به تصحیح : امین پاشا - اجلاسی ، از

انتشارات مرکز نشر دانشگاهی .

بسیاری از مسایل مبهم رویدادهای تاریخی را که مورخان از ایضاح آن هلا به دلایلی شانه خالی کرده یا وارونه ارائه داده اند شاعران و نویسندگان به تصریح و تلمیح وبه جد و هزل بیان داشته اند. مطالعه دواویس — شعری نظیر: رودکی، فرخی، عنصری، منوچهری... بسیاری از حوادث عرصه سامانی و غزنوی را برای داوری و اظهار نظر، در اختیار صاحب نظران نقاد و سخن سنج قرار می دهد و بیت:

به خوبان دل مده حافظ ببین آن بی وفایی ها

که با خوارزمیان کردند ترکان سمرقندی

به اندازه یک فصل از یک کتاب تاریخ، از فاجعه کشتار بیرحمانه خوارزمیان به دست امیر تیمور افشاکری و پرده گشایی می کند.

گذشته از انواع عام شعر فارسی (قصیده، غزل، قطعه، رباعی...) که حاوی مطالب کلی و عمومی تاریخی هستند، شکل خاصی از شعر برای بیان رخ دادهای مهم به کار می رود که اصطلاحاً "ماده تاریخ" خوانده می شود، شاعر با انتخاب کلمات و عبارات مناسب، تاریخ وقوع حوادث نیک و بد را مطابق حساب جمل تثبیت کرده و مانند امانت مامون به دست زمان می سپارد.

شهر باستانی "سیاهان" که پهلوی به پهلوی اسطوره می ساید و منصفه قیام کاوه حداد برضحاک ماردوش و عرصه قهرمانی های خاندان کشاور است، سرنوشتش با تاریخ دیرینه و دیرینه ایران گره خورده است. در مسیر تمام اتفاقات و حوادث که بر قوم ایرانی روی آورده در کنار ایران و عضو ناگسستنی این پیکر بوده است. در غم و شادی قوم ایرانی نیاز بوده و در ساختار مظاهر فرهنگ و هنر ایران زمین با افتخار و سربلندی خود نمایی کرده است. در برهه های از تاریخ سیاسی ایران بحق و بسزا شهر اصفهان مورد توجه خاص قرار گرفته و دارالسلطنه و مرکز حکومت ایران گردیده است. از این زمان به بعد این شهر زیبایی و هنر، مرکز و مدار امور علمی و دینی و سیاسی گشته، بر وسعت صوری و معنوی

آن افزوده شده ، مقرر رجال و محط رحال گشته و راه‌پا به او ختم گردیده است. هنرمندان و صنعتگران و معماران ... لطیف دست و استاد آثار هنری بی مانند و گرانمایه درین شهر ساخته و آیندگان را با تماشا و تمتع از این مظاهر ذوق و استعداد و امداد و سپاسگزار خود ساخته‌اند. این جانب به عنوان ادای دین نسبت به این جلوه‌گاه ذوق و اندیشه و هنر ، و جیزه‌ای تحت عنوان " اشارات تاریخی شهر اصفهان در دیوان تاثیر تبریزی " رابه محضر علاقه‌مندان فرهنگ و هنر ایران تقدیم می‌دارم .

" میرزا محسن تاثیر تبریزی ^۱ " از تبارزه اصفهان است . جد پدری وی ابوالخان زرگر به امر شاه عباس اول به همراه خانواده محترم خود از تبریز به اصفهان مهاجرت کرده و در عباس آباد اصفهان مقیم شده است . " تاثیر " به سال ۱۰۶۰ هـ ق در اصفهان متولد شده و مقیم این شهر بوده و از محضر اساتید نام‌آوری چون آقا حسین خوانساری (متوفی ۱۰۹۹) و میرزا علاء الدین گلستانه (متوفی ۱۱۰۰) و آقازهی (متوفی ۱۱۱۲) کسب علم و دانش کرده است و در سخنوری نیز چنانکه از فحاشی اشعارش برمی آید شاگرد و پیرو همشهری نامی خود " میرزا صائب " بوده است. چنانکه خود می‌گوید تخلص " تاثیر " از طرف محمد خان وحید - الزمانی وزیر شاه سلیمان به او داده شده است .

تخلص چو تو " تاثیر " کردی از سر لطف

از آن کلام مرا باشد از اثر آثار

دیوان ، ص ۹۷

کلیات دیوانش مشتمل بر قصاید و مثنوی ها و غزلیات و قطعات و رباعیات ، و قریب ده هزار بیت می باشد؛ شاعر در اشعار خود بخصوص قصاید و مثنوی ها و قطعات به برخی از وقایع و رویداد های تاریخی زمان خسودش که معاصر با شاه سلیمان

۱- برای اطلاع از شرح احوال، رجوع شود به مقدمه دیوان ، تصحیح اینجانب ،

و شاه سلطان حسین، آخرین سلاطین صفوی بوده است اشارات مفید کرده و برای اغلب این امور " ماده تاریخ " ساخته است.

اهم مسایل عنوان شده در دیوان این شاعر در رابطه با اصفهان در سه موضوع تشکیل می‌دهد:

۱- مسایل سیاسی و تاریخی

اولین مطلب تاریخی که در دیوان وی بدان اشاره شده است جلوس شاه سلیمان بر تخت سلطنت می باشد که در قصیده‌ای به مطلع:

بحمدالله که زد در ملک ایران کوس سلطانی
خدیو دادگستر مظهرالطاف ربّانی

دیوان، ص ۸۹

و با اقتفا به سلمان ساوجی و خاقانی شروانی سروده است.

دوقصیده دیگر در مدح " شاه و لاجاه سلطان سلیمان صفوی " دارد که به موضوع آمدن عبدالعزیزخان چنگیزی پادشاه بخارا به اصفهان در بهار سنه ۱۰۹۴ ه. ق اشاره کرده است:

مطلع قصیده اول

بهار آمد و گشت عالم منور زمین گشت رنگین هوا شد معطر

دیوان، ص ۹۳

و مقطع آن مدّیل به ماده تاریخ

زدل خواست " تاثیر " تاریخ ، گفتا

" سعیدی قران کرده با سداکبر "

دیوان ، ص ۹۴

و قصیده دوم به مطلع

نوبهار رفته باز از نو به جولان آمده است

گل به شکر خنده و بلبل به افغان آمده است

دیوان ، ص ۹۴

و مقطع مورخ

جستم از " تاشیر " بهر این قران تاریخ و گفت

" باز مہمان عزیز ی سوی ایران آمده است "

دیوان ، ص ۹۵

می باشد که به حساب ابجد سال ۱۰۹۴ هجری قمری است .

قطعه ای در تاریخ وفات " شیخعلی خان زنگنه " وزیر دیوان اعلی دارد :

ناظم و اعتضاد ملک آصف چرخ منزلت

شیخعلی که امر او بود مطابق قضا

گشت چو بر بزرگیش تنگ جهان زندگی

ماه محرم از جهان رفت به رحمت خدا

سال وفات او خرد کرد چو مسئلت زد

گفت بگو که " حشروی باشهدای کربلا "

دیوان ، ص ۱۰۴ و ۱۰۵

که با ۱۱۰۲ هجری قمری مطابقت می کند .

پس از وفات شیخعلی خان زنگنه ظاهرا از محمدخان نواب وحید

الزمانی که سابقا نیز وزارت داشته و مستعفی و در استرآباد مقیم بوده

است دعوت شده و منصب وزارت مجددا در فروردین ماه سال ۱۱۰۳ به وی

تفویض گردیده است . قصیده ای به مطلع :

شبی ز وضع جهان داشتم دلی افکار

که سوی عالم خوابم شبی فتاد گذار

دیوان ، ص ۹۵

را در ارتباط با انتشار خبر آمدن محمدخان از استرآباد به اردوی معلی ،

سروده است و قصیده دیگری به مطلع :

مرحبا باد صبا قاصد فرخنده نوید

که رسید از تو به ما مژده عیدازپی عید

و به مقطع :

پی تاریخ شنیدم که عطاردمی گفت

"مژده باد اهل هنر آصف ملک است وحید"

دیوان، ص ۹۸

در تهنیت منصب وزارت اعظم نواب وحیدالزمانی پرداخته است، این شخص همچنانکه قبلا اشاره شد حق انتخاب تخلص بر شاعر داشته است. دو قطعه، دیگر نیز در وفات "خاقان قدس مکان طوبی آشیان شاه سلیمان الصفوی انارالله برهانه" سروده که هر دو مذیل به ماده تاریخ وفات شاه سلیمان (۱۱۰۵ هـ ق) هستند.

آغاز قطعه اول شه داد گستر خدیو زمان سلیمان شهنشاه انجم سپاه
وبیت آخر رقم کرد تاثیر تاریخ آن وفات سلیمان شه دین پناه"

دیوان، ص ۱۰۰

می باشد و قطعه دوم که ۱۲ بیت است بابیت :

شاه دین سلطان سلیمان آنکه بود

در همه آفاق ذکرش منتشـــــر

شروع وبابیت :

آمد از روحش خطاب مستطاب

"منزلی عند ملیک مقتـــــدر"

دیوان، ص ۱۰۱

پایان یافته گویا "حسب الامر اعلی (شاه سلطان حسین) بر صندوق" گور او نقش بسته است. از وقایع سیاسی عهد شاه سلطان حسین به انتصاب محمد مومن خان بیگدلی (ایشیک آقاسی سابق) که از صوفی نژادان قدیم بوده، به منصب وزارت اعظم طی قطعه‌ای اشاره کرده و ماده تاریخ این واقعه را "باز آمد وزیر راست قلم" یعنی ۱۱۰۹ هجری قمری ذکر کرده است

دیوان، ص ۱۰۷

حادثه تاریخی دیگری که بدان اشاره رفته موضوع قتل خسرو میرزا سپهسالار ایران در قندهار می باشد که عبارت "خسرو میرزا" را مطابق بسا

۱۱۲۴ هـ ق به عنوان ماده تاریخ انتخاب کرده است :

در زمان فتنه و طغیان و ظلم میرویس

آن نمک شناس خاین خوک بی شرم و حیا

چون سپهسالار ایران کشته شد در قندهار

نام او تاریخ شد یعنی که " خسرو میرزا "

دیوان ، ص ۱۰۹

۲ - مطالبی که در باره رجال و بزرگان و مفاخر فرهنگ و هنر عصر

صفوی بیان کرده که غالباً فواید تاریخی دارند.

قطعه‌ای در مدح علامه میر محمد باقر مجلسی گفته و او را شفیع

انگیخته تا از او در نزد شاه سلطان حسین وساطت کند تا شغل پیشکاری

دارایی یزد را که در آن زمان وزارت می گفتند ، داشته و ظاهر به اتهامی

از وی گرفته بودند مجدداً باز دهند.

در مرگ علامه مجلسی نیز دوبیت سروده که منضم تاریخ وفات

ایشان (۱۱۱۱ هـ ق) می باشد:

چو رفت از جهان شیخ الاسلام دین

که دانش بدو عقل دانا فروخت

به فوتش رقم کلک " تاثیر " زد

" دل خلق از فوت آخند سوخت " *

دیوان ، ص ۱۰۵

برای وفات آقا حسین خوانساری که از علمای بنام و معاصر شاه

سلیمان و استاد شاعر نیز بوده است . قطعه‌ای گفته و تاریخ وفات او را با

مصراع " رفت از جهان کسی که نیابی عدیل او " ، سال ۱۰۹۹ معین کرده

* اگر از عبارت " فوت آخند " که به حساب ابجد ۱۱۴۱ می شود، دل یعنی

حرف وسط خلق را که لام و برابر با عدد ۳۵ است کم کنیم حاصل ۱۱۱۱ خواهد

بود که تاریخ رحلت علامه محمد باقر مجلسی (ره) است .

است . دیوان ، ص ۱۰۳ . همچنین برای در گذشت مشاهیر دیگر آن عصر نظیر: آقارضا ، دیوان ، ص ۱۰۵ میرزاغلاء الدین گلستانه ، دیوان ، ص ۱۰۴ . جعفر آرام معروف به میناکار ، دیوان ، ص ۱۱۰ . حاجی میرزاغلی ، دیوان ، ص ۱۰۵ . و میرنجات شاعر ، دیوان ، ص ۱۱۰ قطعاتی مشتمل بر مواد تاریخ ساخته است .

در مثنوی "دعوه العاشقین" که در وزن خسرو و شیرین حکیم نظامی سروده ، از دو موسیقی دان و نوازنده معروف معاصر خودنام می‌برد، یکی معروف به "طاهرای چهارتاری" و دیگری "سمندرکمانچه‌ای" می‌باشد دیوان، ص ۱۶۵ ، ۱۶۶

۳- مهم ترین و ارزشمندترین بخش اشارات تاریخی در دیوان این شاعر ، بخشی است که در آن به معرفی و توصیف ابنیه و آثار تاریخی اصفهان پرداخته و اطلاعات ذی‌قیمتی درمورد بنا ، ویژگی های بنیاد ، سازنده و تاریخ بنا می دهد و شاید از حیث تعیین هویت و موقعیت و رفع ابهام در شناخت آثار تاریخی مفید و مثمر باشد .

قدیم ترین بنایی که در دیوان تاثیر به ساختن آن در اصفهان اشاره شده است ، مدرسه‌ای است که به امر مادر شاه سلیمان در سال ۱۰۸۱ هـ. ق. ساخته شده است . عنوان و اشعار قطعه مربوط چنین است : قطعه تاریخ مدرسه نواب خورشید احتجاب ناموس العالمین علیه عالیه .

صدف گوهر سلیمان شاه	بحر ناموس و کان جود وسخا
مدرسی ساخت بهراهل کمال	دلنشین ترزجنت الماوی
کرد تاثیر "فکر تاریخی"	خردش گفت "مسکن فضلا"

دیوان ، ص ۱۰۳ و ۱۰۴

در قطعه‌ای دیگر به ساختن "قدمگاه امام الانس والجن علی بن موسی الرضا (ع) حسب الامر اعلی (سلیمان شاه) به تاریخ ۱۰۹۲ هـ. ق. اشاره کرده است . در این قطعه جای پای ثامن الائمه (ع) بر روی سنگ سیاه رنگ رانیزوصف کرده که بنا بر روی آن تاسیس شده است :

در آن سنگ شبگون جای قدم
 " به حکم سلیمان گردون پناه
 چه بر روز آیینها آمده
 قدمگاه از سر بپا آمده "

دیوان ، ص ۹۹ و ۱۰۰

بیت آخر ماده، تاریخ بنا می باشد.

ضمن دو قطعه دیگر به ساختن رباطی در سر راه زائران ثامن الائمه (ع)
 در محل آهوان به تاریخ ۱۰۹۷ اشاره کرده که در زمان سلطان سلیمان توسط
 عالیجاه نجفقلی بیگ ناظر بیوتات صورت گرفته است و عبارات " یافتی
 توفیق " و " منزل امن و امان ست این رباط بی بدل " بیان کننده تاریخ
 این رباط می باشند. دیوان ، ص ۱۰۴

در پایان مثنوی " جهان نما " که به تقلید و اقتدای مخزن -
 الاسرار سروده شده است ، شاعر به تعریف باغ " فرح آباد بهشت بنیاد که
 احدائی نواب اشرف (سلطان حسین ،) است پرداخته و زیبایی های باغ و
 مختصات عمارات آن را با تعبیرات و تشبیهات شاعرانه بیان کرده است :

باغ ارم وسعت گردون ثبات زیرنگینش علم کاینات
 جلوه نکردی اگر این گلستان صاحب افسرنشدی اصفهان
 بر همه ربع زمین سرور است او بمثل تاج و صفاهان سراسر است

دیوان ، ص ۱۳۴

به توصیف دریاچه ای که در این باغ بوده ، نهرهایی که جاری بوده اند و
 جداول و فواره های آن پرداخته و اشاره می کند که زیبایی ها بدیع او " چار-
 باغ " را از رونق انداخته است :

گشته زبس نو شده بسیار باغ رفعت اوسرشن چارباغ

دیوان ، ص ۱۳۶

و نیز یادآوری می کند که فواید حاصل از این باغ را شاه سلطان حسین وقف
 نجف اشرف کرده :

حاصل آن را شه مالک رقاب وقف نجف کرده به قصد ثواب
 گرشرفش از شه دریا کف است وقف نجف گشتن آن اشرف است

دیوان ، ص ۱۳۶

توصیف گرمابه‌ای رامی‌کننده در داخل باغ قرار دارد و اسباب و لوازم متداول و مستعمل در حمام‌ها را در آن عصر برمی‌شمارد. این حمام ظاهراً خصوصی و تعلق به خاندان سلطنتی داشته است :

توصیف حمام بابیت :

مهر فلک حامی حمام اوست ماه تعصب کش گلجام اوست

دیوان ، ص ۱۳۶

شروع و بابیت :

گرم شود تا قمر از آفتاب خسرو آفاق در او کامیاب

دیوان ، ص ۱۳۷

پایان می‌پذیرد.

مثنوی مسمی به " گلزار سعادت " که به وزن خسرو و شیرین‌نظامی سروده شده تماماً اختصاص به تعریف باغات و عمارات سعادت آبادیهشت بنیاد دارالسلطنه اصفهان دارد که بنابه اظهار شاعر موسی آن " شه خلد آشیان " یعنی شاه سلیمان است .

به سر دارد همای خامه دولت ز وصف گلشن باغ سعادت
ز خلد این باغ راز انرو نشان است کز آثار شه خلد آشیان است

دیوان، ص ۱۶۷ ۱۶۸

شاعر ابتدا به توصیف خود باغ ، درختان و گل‌های آن می‌پردازد و درختان چنار ، نارون ، سرو ، صنوبر ، بیدموله رانام می‌برد و متجاوز از بیست نوع گل از قبیل لاله ، سنبل ، گلنار ، سوسن ، یاسمن ، مشکبجه ، پاپیچال ، رازقی ، لاله پیکانی ، خیری ، بنفشه ، تاج خروس ، شب بسو ، جعفری ، ریحان ، لاله عباسی ، نیلوفر ، عروس باغ ... را که در این بساغ کاشته‌اند برمی‌شمارد، پس از ذکر اسامی و اوصاف اشجار و ازهار به ذکر و وصف عمارات و ابنیه درون باغ می‌پردازد. نخستین بنایی که دیده می‌شود " مهتابی دوری " است .

شنیدی از گل واز عندلیبش بیا بشنو بناهای غریبش
چوبارت داداول ز آن گلستان شود " مهتابی دوری " نمایان
دیوان ، ص ۱۷۱

ظرایف معماری و هنرهای بنایی را که در این بنا بکار رفته است و نیز مواد و مصالح ساختمانی آن را با بیان شاعرانه توصیف می کنند و سپس به تعریف " عمارت مثنی " می پردازد:

دگر دروی مثنی آسمانی به طرح از هشت خلد او رانشانی
ببین بر طرح آن عالی نشیمن ندیدی آسمان را گر مثنی
دیوان ، ص ۱۷۲

در معرفی این بنا نیز به ریزه کاری ها معماری و هنر آفرینی سازندگان آن پرداخته ، از سنگ فرش و جدول و فواره درون باغ می گوید:

میان باغ فرش ازخاره دارد سراسر جدول و فواره دارد
دیوان ، ص ۱۷۲

آنگاه از میدان چوگان بازی و تالار بلند و ستون تالار که در سمت غرب باغ توسط نواب کامیاب (شاه سلطان حسین) احداث شده سخن می راند:

دگر در سمت غرب آن گلستان یکی میدان برای گوی و چوگان...
دیوان ، ص ۱۷۳

و تاریخ اتمام آن را با عبارت " میدان باغ " (۱۱۵۸ ه . ق) تعیین می کند. تعریف تالارهای سه طبقه را می کند که در کنار دریاچه واقع شده اند :

در آن جنت یکی عالی نشیمن سردریاچه، گلشن معین
سه تالار آن عمارت راهه زینت یکی را بر یکی آیین رفعت

دیوان ، ص ۱۷۳

و اشاره می کند که در دورادور تالارها به شیشه های الوان آراسته بوده است :

به الوان شیشه ها دورش مطرا " رشیدا " خاند گویا کرده مینا
دیوان ، ص ۱۷۴

از بناهای معروف اصفهان ، دوپل مشهور " حسن آباد " و " پل چوبین " را توصیف می کند که بر روی دریاچه باغ سعادت آباد بسته شده اند:

لبالب ز آبرو دریاچه او دوپل بروی مرتب چون دوا برو
یکی شرقی اساس سنگ خارا دگر یک غربی و از چوب بر پا
دیوان ، ص ۱۷۴

ساختمان بدیع و حیرت انگیز پل چوبی را که به شکل کشتی ساخته شده وهم از زیرش آب می گذرد وهم از رویش با تحسین و اعجاب وصف می کند:

پل چوبیش حیرت داستان است
که بر بالای آن نهری روان است
به گیتی نیست آن پل را قرینه
که از چوب است و هم طرح سفینه
به دریاگر چه هر کشتی دوان است

درین جا بحر از کشتی روان است
به این سامان بود در هر کم پل
که هم کشتی است هم دریا وهم پل
دیوان ، ص ۱۷۴ و ۱۷۵

ضمن توصیف دریاچه به سرچشمه آب آن نیز که از زاینده رود است اشاره می کند.

چو او بحر از نسب کی پایه دارد
که از زاینده رود او مایه دارد
دیوان ، ص ۱۷۵

توصیف " دولتخانه " یعنی ادارات دولتی را می کند که در درون باغ سعادت آباد بنا شده اند و نقش و نگار و منبت کاری ها و طلا و لاجورد بکار رفته در این عمارت را می ستاید. محجری را وصف می کند که به شکل " چار - قل " تعبیه شده :

بماند تا مصون از چشم اختر به طرح " چار قل " دارد محجر
دیوان ، ص ۱۷۷

از دولاب آیینهای که در هایش از چوب صندل و عود بوده سخن می گوید.
منزلی در این باغ را نشان می دهد که دفتر مخصوص شاه سلطان
حسین بوده است :

درون او یکی فرخنده منزل مکان مسند سلطان عادل...

دیوان ، ص ۱۷۸

دو بنای چوبی دیگر را که به محاذات هم در میان گلشن قرار گرفته اند
نام می برد که به اهتمام " ناظر بیوتات " یعنی نجفقلی بیگ ساخته
شده اند.

بعد از توصیف باغ سعادت آباد ، از دو باغ دیگر زمان صفویه که کنار -
هم قرار داشته اند بحث می کند ،

یکی از آن ها به نام " باغ نظر " است :

قلم از فیض یزدان چشم دارد که از " باغ نظر " سطری نگارد

دیوان ، ص ۱۷۵

دیوان بلند و حوضخانه درون این باغ راهم به زیبایی وصف می کند.
باغ دیگر " باغ برج " است :

دگر باجنت آن گلشن قرین است

که با " باغ نظر " پهلونشین است

گلستانی به " باغ برج " مشهور

چو باغ خلد از وی چشم بسد دور

دیوان ، ص ۱۷۶

وجه تسمیه این باغ وجود برجی بوده است که در باغ ساخته شده
بوده است . به حوضخانه درون باغ و بنای دیگری که در راس نهر قرار
داشته اشاره می کند. این باغ از ساخته های شاه سلیمان بوده است . آخرین
باغی که مورد توصیف قرار گرفته باغی است به نام " طاووس خانه " که بانای
آن شاه عباس ثانی است این باغ در واقع باغ وحشی بوده است که در آن -
پرندگان زیاد از نوع طاووس ، تدری ، مرغ زرین ، مینا ، طوطی ، نوری ، ...

و جانوران دیگری مانند شتر مرغ و میمون... نگهداری می شده اند.

قلم شد مایل طاووس خانه	شنید از مرغ این گلشن ترانه
شه صاحب قران عباس ثانی	شده آن باغ راطراح و بانسی
مشبک گشته از آهن قفس سان	درو دیوار و سقف آن گلستان
که او رانیست دروی آشیانه	نیابی هیچ مرغی در زمانه

دیوان، ص ۱۷۸

و سرانجام آخرین حادثه تاریخی که در دیوان " تاثیر " با اندوه و تاثیر فراوان ذکر شده است واقعه آتش سوزی بنای چهل ستون است که در آن سانحه ، تالار و آئینه خانه طعمه حریق گشته و از بین رفته است ، شاعر این حادثه ناگوار را در ضمن قطعه ای بیان کرده و ماده تاریخ آنرا عبارت " بناسوخت " انتخاب کرده که با سال ۱۱۱۹ هجری قمری مطابق می باشد.

که داغ بندگیش ارض و سما سوخت	چو آمد نوبت سلطان حسینی
که از رشک صفا آب بقا سوخت	چنان شد چلستون آئینه خانه
که هم تالار و هم آئینه ها سوخت	از آن آب آتش رشکی علم زد
یکی از جاشد و گفتا " بناسوخت "	شدم تاریخ چو در بزم فکرت

دیوان ، ص ۱۰۹